

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۲، شماره اول، بهار ۱۳۹۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۱۴

صص ۶۱-۸۰

تحلیل چندسطحی خشونت‌ورزی: مطالعه پیمایشی خشونت‌ورزی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر سقز

امید قادرزاده، دانشیار، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان، ایران*
بهروز قادری، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان، ایران

چکیده

پدیده خشونت و روند افزایشی آن در میان دانش‌آموزان یکی از مسائلی است که امروزه سبب نگرانی خانواده‌ها و متولیان امر تعلیم و تربیت شده است. عوامل مختلف در سطوح فردی، رابطه‌ای (خانواده و دوستان)، اجتماع محور و جامعه‌ای در تکوین و تداوم خشونت‌ورزی مؤثر است. در این تحقیق به منظور بررسی تأثیر این عوامل بر خشونت‌ورزی دانش‌آموزان، از مدل‌های اکولوژیکی استفاده شده است. این تحقیق از نوع پیمایشی است که در طی آن با ۴۰۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه شهر سقز مصاحبه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین خشونت‌ورزی دانش‌آموزان معادل ۳۹ درصد بود که بر مبنای یک مقیاس از صفر تا ۱۰۰ پایین ارزیابی می‌شود. در میان ابعاد خشونت، نوع غالب خشونت کلامی بوده و خشونت فیزیکی شدید در پایین‌ترین سطح قرار داشته است. تحلیل رگرسیونی چند متغیره نشان می‌دهد که خشونت‌ورزی با متغیرهای قربانی خشونت شدن، شاهد خشونت بودن، بی‌عدالتی در مدرسه، توانایی حل مسالمت‌آمیز تضادها، میزان جرم در محله، نظارت والدین، پایبندی به دستورات اخلاقی، تنبیه در مدرسه، کنترل اجتماعی مرتبط است. متغیرهای مذکور در مجموع ۴۰ درصد تغییرات خشونت‌ورزی در بُعد کلامی و بیش از ۷۰ درصد از تغییرات خشونت‌ورزی دانش‌آموزان را در ابعاد فیزیکی ملایم و شدید تبیین می‌کنند. در بخش پایانی مطالعه، دلالت‌های یافته‌ها و نتایج تحقیق در زمینه سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی مورد بحث قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: خشونت‌ورزی، قربانی خشونت، شاهد خشونت بودن، نظارت والدین، کنترل اجتماعی، توانایی حل تضاد

مقدمه و بیان مسأله

اگرچه خشونت‌های سطحی و غیر مداوم بخشی از ویژگی‌های دوران نوجوانی به شمار می‌رود اما زمانی که این مسأله تداوم و گسترش داشته باشد، می‌تواند جامعه را با چالش مواجه سازد. خشونت‌ها و رفتارهای انحرافی در بزرگسالی، غالباً با خشونت‌ها و پرخاشگری‌های دوران نوجوانی در ارتباط هستند. با وجود جهانی بودن مسأله خشونت‌ورزی در میان نوجوانان، شدت، نوع و بسامد آن در کشورهای مختلف متفاوت است؛ تا جایی که گزارش جهانی خشونت و بهداشت حاکی از رشد روز افزون خشونت در میان نوجوانان و جوانان، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه است (World report of violence and health, 2000:5).

تحقیقات اخیر در ایران نیز نشان می‌دهد که گسترش دامنه خشونت و پرخاشگری، یکی از جدی‌ترین آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌رود (لطیف آبادی، ۱۳۸۱: ۱۲؛ توسلی و فاضل، ۱۳۸۲: ۱۱۵). این در حالی است که در کشور ما بخش بزرگی از این رده سنی در مدرسه مشغول به تحصیل هستند. آمارها و شواهد نشان می‌دهند که در مدارس کشور، خشونت به صورت روزافزونی در میان نوجوانان گسترش یافته است؛ تا جایی که نوجوانان برای دفاع از خود، آلاتی همچون چاقو، قمه و ... به همراه دارند (نیک‌اختر، ۱۳۷۸؛ سخاوت، ۱۳۸۱؛ لطیف آبادی، ۱۳۸۱؛ زارعی، ۱۳۸۳؛ لواسانی و همکاران، ۱۳۸۷؛ علمی و همکاران، ۱۳۸۷؛ دیوبند و همکاران، ۱۳۸۸؛ نواح و همکاران، ۱۳۹۱؛ گلچین و حیدری، ۱۳۸۹). این موضوع با نقش و کارکرد اصلی مدارس به عنوان محیطی آموزشی و امن در تقابل است. با وجود آن که مدارس امن‌تر از خیابان و حتی خانه به ویژه برای کودکان و نوجوانان تلقی می‌شوند، لیکن بروز خشونت‌ها و گسترش روز افزون آن، احتمالاً به معنای نقض فرضیه بالا است. خشونت‌ورزی در مدرسه در مقایسه با مکان‌های دیگر از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است؛ اگر به بروز خشونت در مدرسه فرصت و امکان بدهیم موجب شده‌ایم جامعه فردا، خشن‌تر از امروز شود.

تحقیقات اخیر در مدارس استان کردستان نشان می‌دهد که آمار رفتارهای خشن در مدارس دخترانه و پسرانه، در مقایسه با کشور در سطح بالایی قرار دارد؛ به طوری که ۲۲/۹ درصد از دانش‌آموزان از چند بار در ماه تا چند بار در هفته قربانی خشونت دیگر دانش‌آموزان می‌شوند. ۱۰/۳ درصد از دانش‌آموزان نسبت به دیگران خشونت می‌ورزند. انواع خشونت‌های کلامی اعم از فحاشی (۷۵/۳ درصد)، مسخره و توهین به شخصیت فرد (۷۰/۲ درصد)، برچسب زدن و القاب زشت (۵۹ درصد)، خشونت‌های فیزیکی اعم از کتک زدن (۴۲/۱ درصد)، تنه‌زدن و هل دادن (۵۶/۲ درصد)، سیلی، مشت و لگد زدن (۴۳/۹ درصد)، پس گردن زدن یا تیک پازدن (۴۲/۲ درصد)، خشونت‌های روانی - اجتماعی مانند وادار کردن قربانی به انجام تکالیف و وظایف خود یا واداشتن به انجام کاری بر خلاف میلش (۳۴/۹ درصد) اتفاق افتاده است. همچنین درصد زیادی از دانش‌آموزان توسط معلمان مورد خشونت‌های مختلف کلامی و فیزیکی قرار گرفته‌اند (بلندهمتان، ۱۳۸۸: ۹۲-۹۰). در چند سال اخیر، روند افزایشی رفتارهای خشونت‌آمیز در میان دانش‌آموزان دبیرستانی شهر سقز، متولیان تعلیم و تربیت و خانواده‌ها را با چالش بزرگی مواجه ساخته است. در میان رفتارهای خشونت‌آمیز می‌توان به خشونت‌های کلامی، درگیری‌های فیزیکی و همچنین مواردی چون زورگویی، باج‌گیری، تخریب و آسیب رساندن به اموال عمومی، وسایل و تجهیزات مدرسه اشاره کرد. این خشونت‌ها می‌توانند به دلایل مختلف فردی، خانوادگی، مدرسه‌ای و اجتماعی بروز نمایند. در چنین فضایی شاید مدرسه دیگر نتواند به وظایف اصلی خود در رابطه با جامعه عمل کند و به ناچار در فعالیت‌هایی درگیر شود که جزء وظایف تعریف شده آن نیست. تداوم خشونت‌های نوجوانان علاوه بر گسترش خشونت در سطح جامعه، می‌تواند در مسیر تحولات اجتماعی چالش برانگیز باشد و مانع تحقق اهداف فردی و اجتماعی شود و نیز ارزش‌های اجتماعی را با تهدید مواجه سازد. همچنین می‌تواند پیامدهای مختلفی بر عامل خشونت،

۱۴۴؛ فالکس کیث، ۱۳۸۱: ۲۳۳ و گیدنز، ۱۳۸۷: ۲۳۸).

در پژوهش‌های تجربی با رویکرد روان‌شناختی همانند پژوهش‌های زیست‌شناختی، به بررسی هم‌آیندی خشونت با انواع خاص شخصیت پرداخته شده است. تیلور در مطالعات خود بر روی زندانیان به این نتیجه رسید که افرادی که دارای ویژگی‌های روان رنجوری هستند گاهی مرتکب جرایم خشن می‌گردند (تیلور، ۱۹۸۲؛ به نقل از گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۵۷). بر مبنای نتایج مطالعه حسینی و همکاران (۱۳۹۰)، میزان خشم، هیجان خواهی، برون‌گرایی نوجوانان بزه‌کار بیشتر از نوجوانان عادی است. جامعه آماری اغلب این پژوهش‌ها، زندانیان و اماکن بازپروری است و همین مسأله تعمیم‌پذیری یافته‌ها را به همه نوجوانان و جوانان خدشه‌دار می‌نماید.

پژوهش‌های با رویکرد جامعه‌شناختی، عمدتاً معطوف به بررسی محیط‌های فرا فردی از جمله محیط خانواده، همالان و مدرسه و تأثیر آن بر خشونت‌ورزی نوجوانان و جوانان بوده است (برای مثال، اورت و پریک^۱، ۱۹۹۵؛ فیجلمن^۲ و همکارانش، ۲۰۰۰؛ هرن کول^۳ و همکارانش، ۲۰۰۱؛ بندا و کوروین^۴، ۲۰۰۲؛ هووارد^۵ و همکارانش، ۲۰۰۲؛ لایوید^۶ و همکارانش، ۲۰۰۲؛ وارنر و فولر^۷، ۲۰۰۳؛ کرسول^۸، ۲۰۰۵؛ رایتز و فیتز پاتریک^۹، ۲۰۰۶؛ هابس، ۲۰۰۸؛ شیری، ۱۳۷۵؛ نیک‌اختر، ۱۳۷۸؛ سخاوت، ۱۳۸۰؛ رئیس، ۱۳۸۲؛ زارعی، ۱۳۸۳؛ مظفری، ۱۳۸۴؛ لواسانی و همکاران، ۱۳۸۷؛ علمی و همکاران، ۱۳۸۷؛ دیوبند، ۱۳۸۸؛ بلندهمتان، ۱۳۸۸؛ برهانی، ۱۳۸۸؛ نواح و همکاران، ۱۳۹۱؛ گلچین و حیدری، ۱۳۹۱).

زارعی (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر خشونت دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه شهر تهران» به بررسی خشونت دانش‌آموزان در سطوح مختلف فردی، روابطی،

قربانی خشونت و دیگران (به عنوان نظاره‌گر یا میانجی) داشته باشد. از دیگر پیامدهای این نوع مشکلات می‌توان به هزینه‌های مادی و غیرمادی اشاره کرد که جامعه با آن گریبان‌گیر است. حال آن که می‌توان این هزینه‌ها را در راه اعتلای روحیات سازندگی و خلاقیت نوجوانان به کار گرفت. آنچه ضرورت انجام پژوهش‌هایی از این دست را مسجل می‌سازد، آسیب‌هایی است که انسان‌ها از خشونت دیده‌اند و بواسطه آن تضعیف و تحقیر شده‌اند. انسان‌ها از تبعات و عوارض ناشی از خشونت رنج می‌برند و سلامت عقل، تعادل عاطفی، روانی و اجتماعی آن‌ها به خطر می‌افتد و دولت‌ها نیز با مشکلات اقتصادی، فرهنگی و خدماتی روبه‌رو می‌شوند. به همین دلیل، طرح مسأله خشونت، سنخ‌شناسی، توصیف و تحلیل ریشه‌ها، و ارائه راهکارهای جامع و علمی برای چاره‌جویی و پیشگیری از آن به منظور برطرف نمودن موانع توسعه اجتماعی و اقتصادی ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین مسأله اصلی پژوهش حاضر این است که میزان خشونت‌ورزی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر سقز چگونه است؟ کدامیک از ابعاد خشونت از فراوانی بیشتری برخوردار است؟ عوامل مؤثر بر خشونت‌ورزی دانش‌آموزان کدامند؟ و کلام آخر آن که، بر مبنای یافته‌های تحقیق حاضر، برای کاهش یا پیشگیری از خشونت ورزی در میان نوجوانان چه راهکارهایی را می‌توان ارائه داد؟

مرور منابع تجربی

خشونت در علوم انسانی و اجتماعی از منظرها و رهیافت‌های عدیده‌ای مفهوم‌سازی شده است که در این میان می‌توان به رهیافت‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی اشاره نمود. مروری بر ادبیات تجربی مرتبط با خشونت نشان می‌دهد که رهیافت زیست‌شناختی در مفهوم‌پردازی خشونت مورد توجه تحقیقات داخلی قرار نگرفته است. این در حالی است که جرم‌شناسان غربی پژوهش‌های قابل توجهی در این حوزه به انجام رسانده‌اند (به نقل از ویلسن روس، ۱۳۷۷:

¹ Everett and Pric

² Feigelman

³ Herren Kohl

⁴ Benda & Corwyn

⁵ Howard

⁶ Lavid

⁷ Warner and Fowler

⁸ Carswell

⁹ Wright and Fitzpatrick

و معنی‌دار دارد. داشتن روابط باز خانوادگی و نظارت والدین با خشونت جوانان رابطه معکوس دارد. همچنین، متغیرهای جنسیت، توانایی حل مشکل، مشارکت و درگیر شدن در مسائل خانواده، روابط مشکل‌دار خانوادگی و محدودیت رفت و آمد فرد در خانواده با خشونت جوانان رابطه‌ای نداشته است. در این تحقیق در سطح محیطی به عوامل مدرسه‌ای اعتنایی نشده است.

از مجموع ادبیات موجود می‌توان نتیجه گرفت که در بخش اعظم مطالعات موجود از رویکردی جامع و چند وجهی در تبیین، مفهوم سازی و عملیاتی کردن خشونت بهره گرفته نشده است. در همین راستا مطالعه حاضر در تلاش است تا با بکارگیری مدل چندوجهی اکولوژیک و با اذعان به ماهیت پیچیده و چند بُعدی خشونت به مفهوم سازی آن در سطوح فردی، تعاملی، بسترها و زمینه‌های اجتماعی و جامعه‌ای در میان دانش‌آموزان دختر و پسر پردازد. مضافاً این که در خصوص میدان مورد مطالعه، پژوهش تجربی صورت نگرفته است.

مرور دیدگاه‌های نظری

مروری بر ادبیات نظری مرتبط با خشونت نشان می‌دهد که موضوع مذکور در رویکردهای بیولوژیکی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی (ساختی - کارکردی، خرده فرهنگی، تضاد و فرایند اجتماعی) فرموله شده است. بر مبنای رهیافت بیولوژیکی انسان به دلیل طبیعت زیستی به خشونت مبادرت می‌ورزد. انسان مانند بسیاری دیگر از انواع حیوانی دارای سائق فطری برای دست یازیدن به خشونت و پرخاشگری است که تنها هراس از تنبیه آن را مهار می‌سازد. رهیافت بیولوژیکی در قالب چند تئوری به تبیین منشأ خشونت و پرخاشگری انسان پرداخته است که مهم‌ترین آن تئوری رفتار غریزی است (محسنی تریزی و رحمتی، ۱۳۸۱:۱۳۰). همچنین از نظریه‌های مطرح در این زمینه می‌توان به نظریه‌های لمبروزو، شلدون، کین برگ و ... اشاره کرد.

محیطی و فرهنگی پرداخته است. نتایج تحقیق حکایت از آن دارد که متغیرهای داشتن دوستان بزهکار، تماشاگر خشونت بودن، تنبیه در مدرسه، ناکامی، سخت‌گیری والدین، نظارت والدین، دلبستگی به والدین و پایبندی به دستورات اخلاقی بر خشونت دانش‌آموزان تأثیر مثبتی داشته‌اند که قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده، متغیر داشتن همالان بزهکار بوده است. جامعه آماری پژوهش مذکور معطوف به دانش‌آموزان پسر بوده است. در مطالعه دیگری علمی و همکاران (۱۳۸۷) نشان داده‌اند که بین باور به دستورات اخلاقی، دلبستگی به والدین، نظارت والدین و میزان خشونت همبستگی معکوس وجود دارد. همچنین، متغیرهای داشتن دوستان بزهکار، سخت‌گیری و بدرفتاری والدین با فرزندان و تضاد والدین، تنبیه و بی‌عدالتی در مدرسه و میزان خشونت در دانش‌آموزان نیز همبستگی مستقیم وجود دارد. جامعه آماری پژوهش مذکور دانش‌آموزان پسر و دختر بوده است. ضمن آن‌که در این پژوهش نیز به سنجش متغیرها در سطح اجتماعی پرداخته شده است. در میان تحقیقات خارجی می‌توان به مطالعه اورت و پریک^۱ (1995) اشاره کرد. در این تحقیق با عنوان «درک دانش‌آموزان از خشونت در مدارس عمومی آمریکا» نشان داده شده است که عضویت در گروه‌ها و باندهای تبهکار، فقدان نظارت والدین، فقدان انگیزه برای یادگیری و تحریک شدن توسط دیگران، تأثیرپذیری از همسالان، فقر خانوادگی، بازنمایی خشونت در رسانه‌های جمعی از عوامل اصلی اثرگذار بر ارتکاب خشونت است. این تحقیق معطوف به سنجش متغیرها در سطوح روابطی، محلی و فرهنگی بوده است. فیچلمن^۲ و همکارانش (2000) تحقیقی در مورد عوامل محیطی و روان‌شناختی مرتبط با خشونت جوانان شهری آمریکایی‌های آفریقایی تبار انجام دادند. بر مبنای نتایج تحقیق، متغیرهای سن، قربانی شدن خشونت، تماشاگر خشونت بودن، ریسک‌پذیری، نفوذ همالان و عضویت داشتن در باندهای جنایتکار با ارتکاب خشونت جوانان رابطه مستقیم

¹ Everett and Pric

² Feigelman

به عنوان یک پدیده چند بعدی در نظر می‌گیرد که با آن می‌توان تشخیص داد که هر فرد در چارچوب شبکه پیچیده‌ای از زمینه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی و محیط زندگی خود عمل می‌کند. این رهیافت چند بُعدی برای اولین بار برای بررسی علل کودک‌آزاری استفاده شد. سپس نظریه‌پردازان مختلف و اخیراً توسط پژوهشگران سازمان بهداشت جهانی در چهار سطح تحلیل فردی، رابطه‌ای (خانواده و دوستان)، اجتماع محور و جامعه‌ای برای بررسی خشونت نوجوانان پیشنهاد شده است (Foshee & et al., 2001; Rockvill, 2001; Jordan, 2001).

رویکرد اکولوژیک، مشتمل بر چهار سطح تحلیل است: سطح اول، مشتمل بر عوامل تاریخ بیولوژیکی و فردی است که بر رفتار فردی و افزایش احتمال خشونت‌ورزی و یا قربانی خشونت شدن تأثیر می‌گذارد. در این میان می‌توان به مشخصه‌های جمعیتی (سن، تحصیلات، درآمد) اختلالات روانی یا شخصیتی، تاریخچه انجام اعمال پرخاشگرانه یا تجربه خشونت و تعرض اشاره نمود. سطح دوم، ناظر بر مناسبات و روابط نزدیک نظیر روابط با خانواده، دوستان و همسالان است و بر این مسأله معطوف است که چگونه مناسبات مذکور انجام اعمال پرخاشگرانه یا تجربه خشونت و تعرض را افزایش می‌دهد. برای مثال، در خشونت‌ورزی جوانان، داشتن دوستانی که مشوق خشونت بوده و یا به انجام اعمال خشونت‌آمیز مبادرت می‌ورزند، احتمال خشونت‌ورزی یا قربانی خشونت شدن را افزایش می‌دهد. سطح سوم (اکوسیستم)، مشتمل بر آن بسترها و زمینه‌های اجتماع است که در آن مناسبات اجتماعی به وقوع می‌پیوندد؛ نظیر، مدرسه، محل کار و همسایگی. در این سطح عواملی چون تحرک و جابجایی محل سکونت، مناسبات همسایگی و شدت روابط محله‌ای، تراکم جمعیت، سطوح بالای بیکاری، خرید و فروش مواد مخدر در اجتماعات مذکور بر خشونت‌ورزی مؤثر است. سطح چهارم، ناظر بر عوامل جامعه‌ای گسترده‌ای است که به ایجاد اوضاع و فضایی یاری می‌رساند که مروج و

نظریه‌های روان‌شناختی مانند تبیین‌های بیولوژیک، رفتار انحرافی را با انواع خاص شخصیت (نقص شخصیت) تبیین می‌کنند. نظیر رویکرد بیولوژیک، کانون توجه و سطح تحلیل فردی است. برخی از روان‌شناسان معتقدند که بعضی از انواع شخصیت بیشتر از انواع دیگر به انحراف گرایش دارند. از نظریه‌های عمده این رهیافت می‌توان به نظریه‌های فروید، دولارد، نظریه‌های تکامل شناختی، ناهماهنگی شناختی، مبادله، ناکامی - پرخاشگری و ... اشاره کرد.

بیش‌ترین مطالعات در زمینه تبیین خشونت از آن جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی است. این گروه عوامل اجتماعی و محیطی را در بروز رفتارهای خشونت‌آمیز مؤثر می‌دانند. از نظریه‌های عمده این رهیافت می‌توان به نظریه‌های یادگیری اجتماعی، فشار اجتماعی، کنترل اجتماعی، تئوری‌های انحراف فرهنگی، بی‌سازمانی اجتماعی، تضادگرایان متقدم و جدید، و ... اشاره کرد.

مرور رویکردها و دیدگاه‌های نظری نشان می‌دهد که هر کدام از این رویکردها با توجه به زمینه‌های اجتماعی در بررسی پدیده خشونت یا به یک عامل توجه نموده‌اند و یا از میان متغیرهای مختلف، نقش یک عامل را اساسی دانسته‌اند. نظریه‌های بیولوژیکی، خشونت را مقوله‌ای غریزی قلمداد نموده و از تأثیر نهادهای پرورشی جامعه و شکل‌گیری و نفوذ فرهنگ خشونت در جامعه غفلت می‌ورزند. تبیین‌های روان‌شناختی نیز همانند تبیین‌های بیولوژیک، با اتکای به سطح فردی تحلیل، بر این پیش فرض متکی هستند که خشونت‌ورزان از بقیه افراد جامعه متفاوت هستند. اما واقعیت این است که انسان هرگز نمی‌تواند به عنوان موجود منزوی در نظر گرفته شود؛ بلکه شناخت انسان مستلزم درکی همه جانبه است که دنیای اطراف و ارتباطات درون آن را مد نظر داشته است. بنابراین، برای درک پدیده خشونت بهتر است به تبیین‌هایی روی آورد که این کلیت و برهم کنش عوامل مختلف را فرموله کرده‌اند. یکی از تلاش‌های چشم‌گیر در این زمینه، رویکرد اکولوژیک (بوم‌شناسی) است که خشونت را

کنند. از نظر فوشی و همکاران، علاوه بر قابلیت‌های شخصی و درگیر شدن در رفتارهای مشکل‌دار، ویژگی‌های جمعیتی (جنس، سن، نژاد و طبقه اجتماعی)، اجتماعی شدن افراد و تجربیات زندگی، در معرض خشونت قرار گرفتن نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Foshee & et al., 2001:130).

عوامل محیطی (فرهنگ و ساختار جامعه) جداگانه و یا در تعامل با همدیگر زمینه‌های مساعد کننده خشونت را فراهم می‌کنند. مثلاً نگرش‌ها و رفتارهای سطح جامعه و همچنین استفاده بیش از حد از زور توسط دستگاه‌های برقراری نظم و امنیت در جامعه نقش مهمی در ایجاد شرایطی بازی می‌کنند که می‌تواند به فرهنگ خشونت در میان گروه ویژه‌ای از مردم منجر شود. برخی از نیروهای ساختاری از جمله فقر یا فقدان فرصت‌ها، شرایطی را ایجاد می‌کنند که در نهایت به خشونت یا جرم و جنایت منجر می‌گردد. همچنین تغییرات سریع اجتماعی، جمعیتی، شهرنشینی، مهاجرت، افزایش نابرابری‌ها، بازنمایی خشونت در رسانه‌ها و آزادی عمومی جوانان و مواردی از این قبیل به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر خشونت مطرح هستند (Rockville, 2001:1-3).

چارچوب نظری

به دلایلی چند، مدل‌های بوم‌شناسی فوشی، راکویل و جُردن از رویکرد اکولوژیک چارچوب نظری این پژوهش را تشکیل می‌دهد: نخست، خشونت پدیده‌ای چند لایه و متأثر از عوامل مختلف در سطوح فردی، رابطه‌ای (خانواده و دوستان)، اجتماع محور و جامعه‌ای است و سطوح مختلفی از تحلیل را می‌طلبد که رویکرد اکولوژیک مدعی انجام این مهم است. دوم، اعتبار تجربی و بیرونی رویکرد مزبور به دفعات در پژوهش‌های مرتبط با خشونت مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفته است و از قابلیت تبیین انواع خشونت برخوردار است. سوم، این نظریه‌ها معطوف به نوجوانان بوده و با موضوع جامعه آماری پژوهش حاضر مناسبت دارد. چهارم، این مدل‌ها در تحقیقات مربوط به خشونت نوجوانان در ایران مورد آزمون

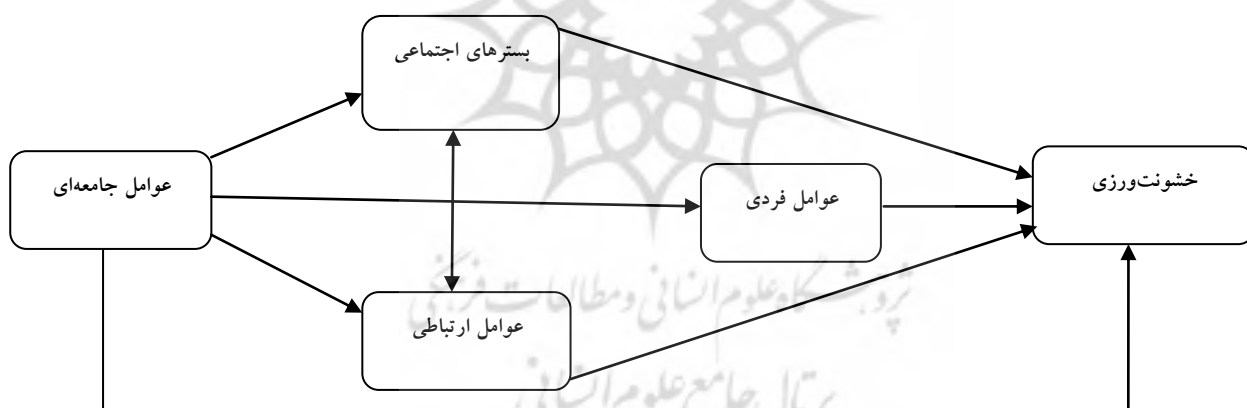
یا بازدارنده خشونت است. این عوامل شامل دسترسی به اسلحه و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی تسهیل کننده خشونت است. هنجارهایی نظیر، ارجحیت حقوق والدین بر رفاه کودکان، تلقی خودکشی به مثابه یک مسأله فردی، هنجارهای مقوم سلطه مردانه بر زنان و کودکان، قواعد حمایت از به کارگیری نیروی قهریه پلیس علیه شهروندان، هنجارهای مروج منازعات اجتماعی و سیاسی. همچنین عوامل جامعه‌ای کلان نظیر سیاست‌های سلامت، اقتصادی، آموزش و اجتماعی که به قوام نابرابری اقتصادی و اجتماعی در بین گروه‌های مختلف اجتماعی یاری می‌رساند (World report of violence and health, 2002: 9-10). در همین راستا، فوشی و همکاران، در مدل خود پیش‌بینی کننده‌های خشونت نوجوانان و جوانان را در شش بعد مقوله‌بندی کرده‌اند: سه بعد اول شامل پیش‌بینی کننده‌های محیطی - اجتماعی (محیط همالان، خانواده و هنجارهای اجتماعی) و سه بعد دیگر شامل پیش‌بینی کننده‌های شخصی (قابلیت‌های شخصی، درگیر شدن در دیگر رفتارهای مشکل‌دار و ویژگی‌های جمعیتی) است (Foshee & et al., 2001:129).

فوشی و راکویل، ضمن تأکید بر نقش حمایتی قابلیت‌های شخصی (عزت نفس بالا، حل موفقیت‌آمیز تضادها، مهارت‌های ارتباطی موفقیت‌آمیز، مهارت قوی روابط شخصی، تعهد به مدرسه و تحصیل) در پیشگیری از رفتارهای مشکل‌دار و خشونت‌آمیز، معتقدند بچه‌هایی که این قابلیت‌ها را در سطح بالا دارا هستند، خطر کمتری برای ارتکاب بسیاری از رفتارهای مشکل‌دار از قبیل رفتارهای خشونت‌آمیز و پرخاشگرانه دارند (Foshee & et al., 2001:130-131; Rokville, 2001:4-5). مشاهده و تجربه رفتارهای خشونت‌آمیز که دامنه آن‌ها می‌تواند از اعمال انضباطی و تربیتی سخت و تنبیه بدنی گرفته تا بدرفتاری در نوسان است و همچنین مواردی از قبیل تجربه جنگ و خشونت سیاسی سبب می‌شود که جوانان قابلیت و توانایی‌های بسیار ضعیفی از خود نشان دهند و خود را به عنوان افراد فاقد قدرت تصور

محل‌های، محیط مدرسه و محیط همسایگی) غفلت ورزید. حضور در مدرسه، شبکه‌های روابط اجتماعی در اجتماع محل‌های، همبستگی اجتماعی، نظارت غیر رسمی افراد محله بر رفتار یکدیگر و به طور کلی سازمان اجتماعی محله از مؤلفه‌های اثرگذار هستند. سطح چهارم، ناظر بر عوامل جامعه‌ای گسترده‌ای است که به ایجاد اوضاع و فضایی یاری می‌رساند که مروج و یا بازدارنده خشونت است. متغیرهای سطح کلان، دیگر سطوح را تحت تأثیر قرار می‌دهد. متصلب شدن آن دسته از هنجارها و قواعد اجتماعی که دشواری‌هایی را بر سر تحقق خواسته‌های افراد قرار می‌دهند، وضعیت اعتماد اجتماعی و مشاهده صحنه‌های خشن در عرصه‌های عمومی و رسمی، می‌تواند توجیه‌کننده خشونت‌ورزی برخی از نوجوانان به مثابه سازوکار مواجهه با دشواری‌های پیش رو است.

تجربی قرار نگرفته است. بنابراین، در این مقاله با رجوع به این دیدگاه‌ها و همچنین بهره‌گیری از منابع تجربی مرتبط، چارچوب نظری تدوین و در قالب آن فرضیات پژوهش استخراج و مدل زیر طراحی شده است.

بر اساس این مدل می‌توان گفت در سطح فردی، عوامل مؤثر در خشونت‌ورزی، شامل ویژگی‌های بیولوژیک و خصوصیات روانی و رفتاری است. این عوامل در کودکی یا نوجوانی ظاهر و تحت تأثیر روابط و مناسبات نزدیک با خانواده، دوستان و همسالان فرد قرار می‌گیرد. بنابراین، علاوه بر عوامل فردی، عوامل ارتباطی نیز در خشونت‌ورزی مؤثر است؛ روابط بین فردی نوجوانان با خانواده (ضعف نظارت والدین و تنبیه بدنی) و همزمان با همسالان و دوستان بر کنش‌های خشونت‌ورزانه نوجوانان مؤثر است. در این میان نمی‌توان از تأثیر بسترهای اجتماعی (اجتماعاتی نظیر اجتماع



نمودار ۱- مدل اکولوژیکی خشونت‌ورزی

فرضیه‌های تحقیق

و همبستگی اجتماعی محل‌های) و میزان خشونت‌ورزی رابطه وجود دارد.

۴- به نظر می‌رسد بین عوامل جامعه‌ای (اعتماد اجتماعی، شاهد خشونت بودن) و میزان خشونت‌ورزی رابطه وجود دارد.

۵- به نظر می‌رسد بین جنسیت و میزان خشونت‌ورزی دانش‌آموزان تفاوت وجود دارد.

۱- به نظر می‌رسد بین عوامل فردی (قربانی خشونت شدن، پایبندی به دستورات اخلاقی، توانایی حل تضادها) و میزان خشونت‌ورزی رابطه وجود دارد.

۲- به نظر می‌رسد عوامل ارتباطی (تعامل با همسالان بزهکار، مناسبات خانوادگی) و میزان خشونت‌ورزی رابطه وجود دارد.

۳- به نظر می‌رسد بین بسترهای اجتماعی (اجتماع مدرسه‌ای

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق

این پژوهش در چارچوب روش‌شناسی کمی و با استفاده از روش پیمایشی به انجام رسیده است. از نظر زمانی، مقطعی و از نظر دامنه تحقیق، پهناگر و از نظر وسعت، خرد و از نظر هدف، کاربردی است. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده و داده‌ها به شیوه پیمایش خود اظهاری^۱ به دست آمده است. برای گردآوری داده‌ها درباره متغیرهای مستقل از پرسشنامه محقق ساخته و در مورد متغیر وابسته خشونت از مقیاس تضاد (CTS) استفاده شد. میزان شاخص ترکیبی از طریق جمع ابعاد گوناگون خشونت به دست آمده است. طبق فرمول زیر جمع نمرات گویه‌ها نمره‌ای را به دست می‌دهد که در دامنه صفر تا ۱۰۰ متغیر است. صفر عدم خشونت و ۱۰۰ خشونت کامل محسوب می‌گردد.

$$\text{میزان خشونت} = \frac{\text{تعداد سؤالات} - \text{مجموع گویه‌ها}}{\text{حداقل نمره گویه‌ها} - \text{حداکثر نمره گویه‌ها}} \times 100$$

داده‌های مورد نیاز با استفاده از تکنیک‌های کمی مورد تحلیل قرار گرفته است؛ به طوری که پس از توصیف متغیرهای مستقل و وابسته، با استفاده از تکنیک‌های تحلیل چند متغیره (تحلیل رگرسیون)، سهم هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش‌بینی متغیر وابسته تعیین و مشخص شده است.^۲

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش، جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پایه‌های دوم

و سوم دختر و پسر مقطع متوسطه است که در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ در یکی از دبیرستان‌های سطح شهر سقز مشغول به تحصیل بوده‌اند. با توجه به این‌که جامعه آماری شامل ۴۲۸۷ نفر است برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران (با دقت برآورد $d = 0.05$ و حداکثر واریانس $pq = 0.25$) ۳۵۲ نفر انتخاب شد. به دلیل مقابله با نقص پوشش، به ۴۰۰ نفر (۲۲۰ نفر پسر و ۱۸۰ نفر دختر) افزایش یافت. برای انتخاب حجم نمونه از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شد. بدین ترتیب که جامعه آماری برحسب جنس به دو طبقه دختر و پسر تقسیم شد. سپس مدارس برحسب نوع مدرسه به دو طبقه مدارس دولتی و غیرانتفاعی تقسیم شده است. در مرحله بعد مدارس بر اساس رشته‌های تحصیلی به متوسطه نظری انسانی، تجربی، ریاضی، فنی حرفه‌ای و کار دانش طبقه‌بندی شده است. بعد از میان مدارس به روش تصادفی ۱۰ مدرسه دخترانه و ۱۰ مدرسه پسرانه جمعاً ۲۰ مدرسه انتخاب شدند. در مدارس نیز با تشخیص پرشگر و با همکاری مسئولان مدارس از هر مدرسه با توجه به رشته‌های موجود جمعاً ۲۲ نفر (در مدارس پسرانه) و (۱۸ نفر در مدارس دخترانه) از روی چارچوب نمونه‌گیری انتخاب شدند. در تمام مراحل متناسب با توزیع عددی دانش‌آموزان در طبقات مختلف، نمونه‌ها انتخاب شدند. یعنی ابتدا به درصدگیری از تعداد دانش‌آموزان دختر و پسر اقدام شد. حجم نمونه دختران ۴۵ درصد و حجم نمونه پسران ۵۵ درصد انتخاب شد؛ زیرا تعداد دانش‌آموزان پسر ۲۳۹۵ نفر و تعداد دختران ۱۸۹۲ نفر از کل جامعه آماری را شامل می‌شود.

تعاریف نظری و عملیاتی‌سازی متغیرها

خشونت

خشونت: رفتاری است که برای آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می‌زند و دامنه آن از تحقیر و توهین، تجاوز، ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). بر اساس مطالعات تجربی موجود،

^۱ Self-reported survey

^۲ به منظور سنجش متغیرها در مقیاس صفر تا ۱۰۰، ابتدا میانگین نمره کل پاسخگویان در پاسخ به گویه‌های متغیر مورد نظر محاسبه شده است. با توجه به تعداد گویه‌ها و طیف ۵ قسمتی، هر متغیری دارای حداقل و حداکثر نمره است. نمره میانگین کل پاسخگویان بر مجموع حداقل و حداکثر نمره‌ها تقسیم و سپس در ۱۰۰ ضرب شده است.

روابط با خانواده، دوستان و همسالان است و بر این مسأله معطوف است که چگونه مناسبات مذکور انجام اعمال پرخاشگرانه یا تجربه خشونت و تعرض را افزایش می‌دهد. در پژوهش حاضر، عوامل ارتباطی از طریق معرف‌های تعامل با همسالان بزه‌کار و عوامل خانوادگی (نظارت والدین، سخت‌گیری والدین، دل‌بستگی به والدین، بدرفتاری والدین و تضاد والدین) در سطح ترتیبی سنجش شده است.

بسترهای اجتماعی: مشتمل بر آن بسترها و زمینه‌های اجتماع است که در آن مناسبات اجتماعی به وقوع می‌پیوندد؛ نظیر، مدرسه، محل کار و همسایگی. این متغیر چند بعدی در سطح ترتیبی و به میانجی معرف‌های اجتماع مدرسه‌ای (تنبیه و بی‌عدالتی در مدرسه) و همبستگی اجتماعی محله‌ای (کنترل اجتماعی غیر رسمی، همبستگی اجتماعی و میزان جرم در محله) در سطح ترتیبی عملیاتی شده است.

عوامل جامعه‌ای: ناظر بر هنجارهای اجتماعی و فرهنگی تسهیل‌کننده خشونت است. در پژوهش حاضر این متغیر در سطح ترتیبی و از طریق معرف‌های اعتماد اجتماعی، بی‌عدالتی اجتماعی، شاهد خشونت بودن در سطح ترتیبی سنجش می‌شود.

اعتبار و پایایی ابزار گردآوری داده‌ها

برای بالا بردن اعتبار پرسشنامه، ابتدا اعتبار صوری سؤالات با بهره گرفتن از نقطه نظرات و مشاورت برخی از اساتید و دانشجویان دکترا مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر این، حتی‌الامکان سعی گردید تا در تدوین سؤالات یا گویه‌های مقیاس‌های اصلی از سؤالات مشابهی که در پرسشنامه‌های فراگیر داخلی و خارجی استفاده شده است. برای تحلیل پایایی مقیاس‌های پرسشنامه از ضریب پایایی یا آلفا استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود کلیه سازه‌های مورد بررسی از پایایی لازم برخوردارند.

خشونت در مدارس تعریف وسیعی را می‌طلبد که بتواند درک کاملی از وسعت و ماهیت انواع مختلف خشونت را فراهم آورد. در این پژوهش برای سنجش خشونت از مقیاس تاکتیک‌های تضاد (CTS)^۱ استفاده شده است. این مقیاس از سال ۱۹۷۲ در مطالعات متعددی به کار گرفته شده و اعتبار روایی و ساختار عاملی این مقیاس تأیید شده است. در این مقیاس، خشونت در ابعاد کلامی، فیزیکی ملایم و فیزیکی شدید مفهوم‌سازی شده است. این مقیاس در ایران توسط زارعی (۱۳۸۳) ترجمه و روایی آن بر روی ۶۰۰ نفر از جوانان شهر تهران صورت گرفته که آلفای کرونباخ آن ۰/۸۷۵ بوده است. پاسخگویان باید بعد از مطالعه هر کدام از این گویه‌ها یکی از گزینه‌های هرگز، ۱-۲ بار، ۳-۵ بار، ۶-۱۰ بار و بیش از ۱۰ بار را در یک سال گذشته خود علامت بزنند. حاصل جمع امتیازات پاسخگو، میزان خشونت در آن بعد را نشان می‌دهد. خشونت کلامی از طریق معرف‌های دشنام دادن، داد و فریاد کردن و تمسخر دیگران مفهوم‌سازی و عملیاتی شده است. خشونت فیزیکی ملایم هم با استفاده از معرف‌های هل دادن، تنه زدن، سیلی زدن، مشت زدن، لگد زدن، پرتاب کردن اشیاء به قصد آسیب رساندن، کتک زدن، گلولی کسی را فشردن، دست به یقه شدن با دیگران و شرکت در دعوای گروهی مفهوم‌سازی و عملیاتی شده است. خشونت فیزیکی شدید نیز از طریق معرف‌های تهدید دیگران با چاقو، استفاده از چاقو در دعوای و اادارکردن دیگران به انجام کار با استفاده از زور و تهدید سنجیده شده است.

عوامل فردی: مراد از عوامل فردی، آن دسته از صفات فردی و بیولوژیکی است که بر رفتار فردی و افزایش احتمال خشونت‌ورزی و یا قربانی خشونت شدن تأثیر می‌گذارد. در پژوهش حاضر، عوامل فردی از طریق معرف‌های پایبندی به دستورات اخلاقی، توانایی حل تضادها، قربانی خشونت شدن در سطح ترتیبی سنجش شده است.

عوامل ارتباطی: ناظر بر مناسبات و روابط نزدیک نظیر

^۱ Conflict Tactics Scale

جدول ۱- نتایج تحلیل پایایی متغیرهای اصلی تحقیق

نام شاخص	تعداد گویه‌ها	آزمون پایایی	نام شاخص	تعداد گویه‌ها	آزمون پایایی
خشونت	۱۷	۰/۹۲۸	سخت‌گیری والدین	۵	۰/۷۸۶
اعتماد اجتماعی	۵	۰/۷۴۰	بدرفتاری والدین با فرزند	۸	۰/۸۷۱
همبستگی اجتماعی	۸	۰/۷۸۸	تضاد والدین با همدیگر	۵	۰/۷۵۹
کنترل اجتماعی غیر رسمی	۴	۰/۷۲۹	همالان بزهکار	۹	۰/۹۱۵
میزان جرم در محله	۷	۰/۸۱۲	پابندی به دستورات اخلاقی	۴	۰/۶۹۷
تماشاگر خشونت بودن	۶	۰/۷۹۷	توانایی حل تضادها	۳	۰/۸۹۵
قربانی خشونت شدن	۵	۰/۸۵۹	تنبیه در مدرسه	۹	۰/۸۰۲
دلبستگی به والدین	۷	۰/۸۷۱	احساس بی‌عدالتی در مدرسه	۵	۰/۷۴۵
نظارت والدین	۳	۰/۷۲۴			

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیتی و موقعیت اجتماعی پاسخگویان

از تعداد ۴۰۰ نفر پاسخگو، ۲۲۰ نفر (۵۵ درصد) پسر و ۱۸۰ نفر (۴۵ درصد) دختر بودند. میانگین سنی پاسخگویان، ۱۶/۸۸ است. نیمی از جمعیت نمونه در پایه دوم و نیم دیگر در پایه سوم مشغول به تحصیل هستند. ۹۲/۸ درصد دانش‌آموزان در دبیرستان‌های دولتی و ۷ درصد در دبیرستان‌های غیر انتفاعی به تحصیل اشتغال داشتند. میانگین معدل دانش‌آموزان ۱۵/۸۸ است. به لحاظ محل سکونت، ۸۰/۸ درصد در شهر و ۱۹/۲ درصد ساکن روستا بودند. از نظر وضعیت اقتصادی، ۱۷ درصد در وضعیت پایین، ۷۷/۸ درصد در وضعیت متوسط، ۵ درصد در وضعیت اقتصادی بالا قرار داشته‌اند. ۹۲/۵ درصد پاسخگویان با پدر و مادر خود زندگی می‌کردند و مابقی هم به دلیل فوت یکی از والدین یا طلاق با یکی از والدین زندگی می‌کردند.

توصیف آماری شاخص و ابعاد متغیر وابسته

جدول ۲ میانگین و انحراف معیار ابعاد خشونت را نشان می‌دهد. بر مبنای نتایج به دست آمده در میان ابعاد خشونت، خشونت کلامی جایگاه اولیه‌ای داشته و پس از آن خشونت فیزیکی ملایم، و شدید قرار گرفته‌اند.

جدول ۲- آماره‌های شاخص تشکیل‌دهنده خشونت

ابعاد خشونت	آماره‌ها	انحراف معیار
کلامی	۵۲/۷۳	۲/۸۰
فیزیکی ملایم	۳۹/۱۵	۸/۵۸
فیزیکی شدید	۲۹/۲۹	۳/۸۹۹

توصیف آماری شاخص و ابعاد متغیرهای مستقل

جدول ۳، میانگین و انحراف معیار شاخص و ابعاد متغیرهای مستقل را بر اساس یک مقیاس صفر تا ۱۰۰ نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در میان متغیرهای فردی، توانایی حل مسأله‌تأمین تضادها و پابندی به اخلاق در میان پاسخگویان در حد متوسط است. همچنین، پاسخگویان به میزان پایینی قربانی خشونت بوده‌اند.

در بعد ارتباطی، پاسخگویان تعامل پایینی با همسالان بزهکار داشته‌اند. همچنین، میزان نظارت و سخت‌گیری والدین و دلبستگی پاسخگویان به والدین متوسط به بالا است. با این وصف، میزان تضاد والدین و بدرفتاری با فرزندان در سطح پایین است.

در بعد بسترهای اجتماعی، از نظر پاسخگویان میزان تنبیه در مدرسه در سطح پایین و میزان بی‌عدالتی در مدرسه در حد متوسط است. علاوه بر این، از نظر پاسخگویان میزان همبستگی اجتماعی و کنترل اجتماعی غیر رسمی در سطح

متوسط است. همچنین پاسخگویان به میزان پایینی شاهد خشونت‌ورزی در عرصه‌های عمومی بودند. در بعد جامعه‌ای، از نظر پاسخگویان بی‌عدالتی اجتماعی در سطح متوسط و میزان اعتماد اجتماعی در سطح پایین

جدول ۳- توزیع فراوانی و درصد شاخص متغیرهای مستقل

سطوح		آماره‌ها		آماره‌ها		
ابعاد	میانگین	انحراف معیار	متغیرها	ابعاد	میانگین	
فردی	پابندی به اخلاق	۵۱/۱۳	۳/۷۶۹	تنبیه در مدرسه	۳۸/۳۸	۶/۹۶
	توانایی حل تضادها	۵۴/۲۳	۳/۵۶	بی‌عدالتی در مدرسه	۴۹/۱۳	۴/۳۴۱
ارتباطی	قربانی خشونت شدن	۲۹/۳	۴/۲۲	همبستگی اجتماعی	۴۸/۳۹	۵/۱۷۷
	تعامل با همسالان بزه‌کار	۳۱/۰۱	۸/۶۰	کنترل اجتماعی غیر رسمی	۵۸/۸۸	۴/۶۰
ارتباطی	بدرفتاری والدین با فرزندان	۳۶/۳۸	۷/۲۲	میزان جرم در محله	۳۵/۹۱	۵/۳۸
	سخت‌گیری والدین	۴۵/۷۹	۳/۰۲۵	جامعه‌ای	۵۶/۷۴	۷/۶۷
	تضاد والدین	۳۷/۴۶	۴/۰۶	اعتماد اجتماعی	۴۴/۷۳	۳/۲۳۶
	دل بستگی به والدین	۶۲/۹۴	۶/۵۵	شاهد خشونت‌ورزی در عرصه‌های عمومی	۳۸/۲۲	۵/۴۶
	نظارت والدین	۶۲/۷۲	۲/۸۱			

تحلیل دو متغیره

رابطه بین جنسیت و ابعاد خشونت

و لذا پدیده‌ای اکتسابی به‌شمار می‌آید. در میان ابعاد خشونت، تفاوت معناداری بین دو گروه دختر و پسر از لحاظ میزان خشونت در ابعاد فیزیکی ملایم ($z = -3/848$ و $sig = 0/000$) و شدید ($z = -4/958$ و $sig = 0/000$) وجود دارد. این تفاوت در بعد خشونت کلامی ($z = -1/869$ و $sig = 0/062$) معنادار نیست.

جدول ۴ مربوط به آزمون یومن ویتنی است، نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دو گروه دانش‌آموزان دختر و پسر از لحاظ ابعاد خشونت وجود دارد. این امر مؤید این واقعیت است که ابعاد خشونت برخلاف دیدگاه‌های زیستی- روانی و روان‌شناختی بیشتر تحت تأثیر شرایط و بافت اجتماعی است

جدول ۴- آزمون یومان ویتنی برای سنجش معناداری تفاوت نمرات ابعاد خشونت در دو گروه دانش‌آموزان دختر و پسر

جنس	تعداد	میانگین رتبه	
		خشونت کلامی	خشونت فیزیکی شدید
پسر	۲۲۰	۲۱۵/۸۸	۲۰۹/۵۵
دختر	۱۸۰	۱۷۸/۴۴	۱۸۳/۳۴
جمع	۴۰۰	۳۹۴/۳۲	۳۸۹/۱۶
خشونت کلامی $Z = -1/869 = sig = 0/062$			
خشونت فیزیکی ملایم $Z =$			
خشونت فیزیکی شدید $Z =$			
		$sig = 0/000$	
		$sig = -4/958$	

رابطه بین متغیرهای مستقل و خشونت

بر اساس نتایج تحلیل‌های دومتغیره در جدول ۵، ابعاد خشونت با متغیرهای مستقل در سطح فردی همبستگی معناداری دارد که در این میان متغیر قربانی خشونت شدن بیشترین همبستگی مثبت و متغیرهای توانایی حل تضادها و پایبندی به دستورات اخلاقی بیشترین همبستگی منفی با خشونت فیزیکی شدید دارد. به عبارت دیگر، هرچه فرد بیشتر توسط دیگران مورد تهدید، تعرض، کتک کاری و دیگر رفتارهای خشونت‌آمیز قرار گیرد، احتمال افزایش خشونت بیشتر می‌شود.

در سطح ارتباطی، متغیرهای مستقل در سطح خانوادگی (سخت‌گیری والدین، بدرفتاری والدین، تضاد والدین، نظارت والدین و دلبستگی به والدین) و تعامل با همسالان بزهکار با خشونت کلامی و فیزیکی شدید همبستگی معناداری دارند که در این میان، بیشترین همبستگی مثبت مربوط به متغیر بدرفتاری والدین با فرزندان و تعامل با همسالان بزهکار و بیشترین همبستگی منفی مربوط به نظارت والدین و دلبستگی به والدین است. به بیان دیگر، با افزایش نظارت والدین و دلبستگی فرزندان به والدین و با کاهش ارتباط با همسالان بزهکار و میزان بدرفتاری والدین با فرزندان از میزان خشونت دانش‌آموزان کاسته می‌شود.

در میان متغیرهای مستقل در سطح بسترهای اجتماعی، تجربه تنبیه در مدرسه همبستگی مثبت و معناداری با خشونت دارد که در این میان بیشترین همبستگی مثبت مربوط به متغیر سابقه و تجربه تنبیه شدن در مدرسه و میزان جرم در محله و بیشترین همبستگی منفی مربوط به متغیر کنترل اجتماعی غیر رسمی در محله است. در سطح جامعه‌ای نیز، بجز متغیر اعتماد اجتماعی سایر متغیرهای مستقل در سطح جامعه‌ای با خشونت همبستگی معناداری دارند که در این میان، بیشترین همبستگی مثبت مربوط به متغیر شاهد خشونت‌ورزی در عرصه‌های عمومی و احساس بی‌عدالتی است. به بیان دیگر،

با افزایش خشونت‌ورزی در عرصه‌های عمومی و تقویت و احساس بی‌عدالتی بر میزان خشونت افزوده می‌شود. بر اساس داده‌های جدول، بیشترین ضریب همبستگی مربوط به متغیر قربانی خشونت بودن با خشونت فیزیکی شدید و خشونت کلامی است. همچنین متغیر تنبیه در مدرسه بیشترین همبستگی با خشونت فیزیکی ملایم دارد.

تحلیل رگرسیونی چند متغیره عوامل مرتبط با ابعاد خشونت تحلیل رگرسیونی چند متغیره عوامل مرتبط با خشونت‌ورزی کلامی

در تحلیل رگرسیون انجام شده با استفاده از متغیرهای مستقلی که در تحلیل دو متغیری با خشونت‌ورزی کلامی پاسخگویان رابطه معناداری داشتند، ضریب تعیین برای خشونت‌ورزی کلامی $0/402$ به دست آمد. به بیان دیگر، این متغیرها در مجموع ۴۰ درصد از واریانس خشونت‌ورزی کلامی را تبیین کرده‌اند. بر اساس داده‌های جدول ۶، از میان متغیرهای مستقل متغیر «قربانی خشونت شدن» بیشترین مقدار از تغییرات خشونت‌ورزی کلامی پاسخگویان آن را تبیین می‌کند. متغیر مستقل بعدی که وارد معادله شده است، «شاهد خشونت بودن» است. با اضافه شدن این متغیر به معادله رگرسیون، ضریب تعیین از $0/306$ به $0/356$ افزایش یافته است. متغیر مستقل بعدی بی‌عدالتی در مدرسه است. با اضافه شدن این متغیر به معادله رگرسیون، ضریب تعیین از $0/356$ به $0/380$ افزایش یافته است؛ یعنی این سه متغیر با هم حدود ۳۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. متغیرهای توانایی حل مسالمت‌آمیز تضادها و میزان جرم در محله در مراتب بعدی اهمیت و اثرگذاری قرار گرفته‌اند. این پنج متغیر با هم ۴۰ درصد از تغییرات خشونت‌ورزی کلامی دانش‌آموزان را تبیین می‌کنند.

جدول ۵- ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل با خشونت و ابعاد آن

ابعاد	خشونت کلامی			خشونت فیزیکی ملایم			خشونت فیزیکی شدید		
	کندال تاوبی	گاما	سطح معناداری	کندال تاوبی	گاما	سطح معناداری	کندال تاوبی	گاما	سطح معناداری
فردی	قربانی خشونت بودن	۰/۴۱۸	۰/۷۷۴	۰/۰۰۰	۰/۰۱۱	۰/۰۲۵	۰/۸۳۰	۰/۷۸۹	۰/۹۶۴
	توانایی حل مسالمت‌آمیز تضاد	-۰/۲۲۸	-۰/۳۸۳	۰/۰۰۰	-۰/۱۱۶	-۰/۲۱۴	۰/۰۲۶	-۰/۳۴۱	-۰/۷۰۶
	پایبندی به دستورات اخلاقی	-۰/۲۱۸	-۰/۳۵۱	۰/۰۰۰	-۰/۱۵۸	-۰/۲۸۸	۰/۰۰۱	-۰/۲۸۰	-۰/۵۳۸
	تعامل با همسالان بزهکار	۰/۲۷۶	۰/۴۸۰	۰/۰۰۰	۰/۰۲۰	۰/۰۴۲	۰/۶۸۰	۰/۳۵۱	۰/۶۱۵
	سخت‌گیری والدین	۰/۱۰۹	۰/۱۸۱	۰/۰۱۳	۰/۰۵۴	۰/۱۰۱	۰/۲۷۶	۰/۱۳۶	۰/۲۷۵
ارتباطی	دل بستگی به والدین	-۰/۱۶۸	-۰/۲۸۵	۰/۰۰۰	-۰/۱۰۵	-۰/۲۰۵	۰/۰۳۵	-۰/۲۷۶	-۰/۵۲۸
	تضاد والدین	۰/۱۱۶	۰/۱۸۷	۰/۰۰۸	۰/۰۸۷	۰/۱۶۰	۰/۰۶۳	۰/۱۶۹	۰/۳۳۹
	بدرفتاری والدین	۰/۲۶۰	۰/۴۵۹	۰/۰۰۰	۰/۰۴۶	۰/۰۹۶	۰/۳۵۲	۰/۵۰۹	۰/۸۷۶
	نظارت والدین	-۰/۱۹۰	-۰/۳۱۰	۰/۰۰۰	-۰/۱۹۸	-۰/۳۶۷	۰/۰۰۰	-۰/۲۳۹	-۰/۴۵۴
	تنبيه در مدرسه	۰/۳۱۹	۰/۵۰۵	۰/۰۰۰	۰/۱۵۱	۰/۲۷۸	۰/۰۰۹	۰/۴۰۳	۰/۷۰۱
اجتماعی	بی‌عدالتی در مدرسه	۰/۲۲۹	۰/۳۷۴	۰/۰۰۰	۰/۱۲۷	۰/۲۳۶	۰/۰۰۲	۰/۱۶۵	۰/۳۴۷
	همبستگی اجتماعی	-۰/۱۱۵	-۰/۱۸۷	۰/۰۱۲	-۰/۱۲۴	-۰/۲۲۶	۰/۰۱۴	-۰/۲۱۹	-۰/۴۵۱
	میزان جرم در محله	۰/۱۰۴	۰/۱۶۳	۰/۰۱۹	۰/۱۰۳	۰/۱۸۴	۰/۰۳۶	۰/۲۲۹	۰/۴۵۴
	کنترل اجتماعی	-۰/۱۵۵	-۰/۲۴۶	۰/۰۰۱	-۰/۱۲۴	-۰/۲۲۵	۰/۰۱۲	-۰/۲۲۱	-۰/۴۲۸
	اعتماد اجتماعی	-۰/۰۸۷	-۰/۱۴۲	۰/۰۶۱	-۰/۱۲۳	-۰/۲۲۶	۰/۰۱۲	-۰/۱۰۹	-۰/۲۱۲
جامعه‌ای	بی‌عدالتی اجتماعی	۰/۰۸۶	۰/۱۵۷	۰/۰۶۲	۰/۱۴۲	۰/۲۸۵	۰/۰۰۶	۰/۰۸۴	۰/۲۰۳
	شاهد خشونت بودن	۰/۳۴۹	۰/۵۶۳	۰/۰۰۰	۰/۱۲۶	۰/۲۴۱	۰/۰۱۲	۰/۵۵۲	۰/۸۵۹

جدول ۶- ضرایب تحلیل رگرسیونی گام به گام خشونت‌ورزی کلامی

نام متغیر مستقل	مقدار ضریب F	مقدار ضریب Beta	سطح معناداری	مقدار R square تجمعی
قربانی خشونت شدن	۱۵۲/۷۱۱	۰/۵۵۳	۰/۰۰۰	۰/۳۰۶
شاهد خشونت بودن	۹۵/۶۰۰	۰/۳۱۰	۰/۰۰۰	۰/۳۵۶
بی‌عدالتی در مدرسه	۷۰/۴۲۶	۰/۱۶۱	۰/۰۰۰	۰/۳۸۰
توانایی حل مسالمت‌آمیز تضادها	۵۵/۱۱۰	-۰/۱۱۲	۰/۰۰۰	۰/۳۹۱
میزان جرم در محله	۴۶/۰۲۷	-۰/۱۲۱	۰/۰۰۰	۰/۴۰۲

تحلیل رگرسیونی چند متغیره عوامل مرتبط با خشونت‌ورزی فیزیکی ملایم

بر اساس داده‌های جدول ۷، ضریب تعیین برای خشونت‌ورزی فیزیکی ملایم ۰/۷۳۹ به دست آمد. این متغیرها در مجموع ۷۴ درصد از واریانس خشونت‌ورزی فیزیکی ملایم را تبیین کرده‌اند. از میان متغیرهای مستقل مورد بررسی در این پژوهش، متغیر «شاهد خشونت بودن» بیشترین

مقدار از تغییرات خشونت‌ورزی فیزیکی ملایم را تبیین می‌کند. متغیر مستقل بعدی «قربانی خشونت شدن» است. با اضافه شدن این متغیر به معادله رگرسیون، ضریب تعیین از ۰/۵۹۰ به ۰/۷۰۷ افزایش یافته است. متغیر مستقل بعدی که وارد معادله شده است، نظارت والدین است. با اضافه شدن این متغیر به معادله رگرسیون، ضریب تعیین از ۰/۷۰۷ به ۰/۷۲۸ افزایش یافته است. یعنی این سه متغیر با هم حدود ۷۳

۷۴ درصد از تغییرات خشونت‌ورزی فیزیکی ملایم دانش‌آموزان را تبیین می‌کنند.

درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. متغیرهای پایبندی به دستورات اخلاقی و تنبیه در مدرسه در مراتب بعدی اهمیت و اثرگذاری قرار گرفته‌اند. این پنج متغیر با هم

جدول ۷- ضرایب تحلیل رگرسیونی گام به گام خشونت‌ورزی فیزیکی ملایم

نام متغیر مستقل	مقدار ضریب F	مقدار ضریب Beta	سطح معناداری	مقدار R square جمعی
شاهد خشونت بودن	۵۱۹/۸۹۲	۰/۷۶۸	۰/۰۰۰	۰/۵۹۰
قربانی خشونت شدن	۴۳۴/۴۲۸	۰/۴۴۳	۰/۰۰۰	۰/۷۰۷
نظارت والدین	۳۲۰/۳۵۴	-۰/۱۵۴	۰/۰۰۰	۰/۷۲۸
پایبندی به دستورات اخلاقی	۲۴۹/۴۲۸	-۰/۱۰۰	۰/۰۰۰	۰/۷۳۶
تنبیه در مدرسه	۲۰۲/۳۵۵	۰/۰۷۹	۰/۰۰۰	۰/۷۳۹

از ۰/۷۴۰ به ۰/۷۶۰ افزایش یافته است. متغیر مستقل بعدی، پایبندی به دستورات اخلاقی است. با اضافه شدن این متغیر به معادله رگرسیون، ضریب تعیین از ۰/۷۶۰ به ۰/۷۶۷ افزایش یافته است. این سه متغیر با هم حدود ۷۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. متغیرهای بی‌عدالتی در مدرسه، توانایی حل مسالمت‌آمیز تضادها و کنترل اجتماعی در مراتب بعدی اهمیت و اثرگذاری قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب، از فرضیه‌های اصلی مطرح شده، شش متغیر مستقل با هم ۷۸ درصد از تغییرات خشونت‌ورزی فیزیکی شدید دانش‌آموزان را تبیین می‌کنند.

تحلیل رگرسیونی چند متغیره عوامل مرتبط با خشونت‌ورزی فیزیکی شدید

در تحلیل رگرسیون انجام شده ضریب تعیین برای خشونت‌ورزی فیزیکی شدید ۰/۷۷۷ به دست آمد. به بیان دیگر، این متغیرها در مجموع نزدیک به ۷۸ درصد از واریانس خشونت‌ورزی فیزیکی شدید را تبیین کرده‌اند. بر اساس داده‌های جدول ۸، از میان متغیرهای مستقل مورد بررسی در این پژوهش، متغیر «قربانی خشونت شدن» بیشترین مقدار از تغییرات خشونت‌ورزی فیزیکی شدید پاسخگویان را تبیین می‌کند. متغیر مستقل بعدی «شاهد خشونت بودن» است. با اضافه شدن این متغیر به معادله رگرسیون، ضریب تعیین

جدول ۸- ضرایب تحلیل رگرسیونی گام به گام خشونت‌ورزی فیزیکی شدید

نام متغیر مستقل	مقدار ضریب F	مقدار ضریب Beta	سطح معناداری	مقدار R square جمعی
قربانی خشونت شدن	۹۹۲/۶۰۴	۰/۸۶۰	۰/۰۰۰	۰/۷۴۰
شاهد خشونت بودن	۵۵۰/۶۱۴	۰/۱۹۳	۰/۰۰۰	۰/۷۶۰
پایبندی به دستورات اخلاقی	۳۷۹/۸۴۸	-۰/۰۸۷	۰/۰۰۰	۰/۷۶۷
بی‌عدالتی در مدرسه	۲۹۱/۳۱۱	-۰/۰۷۰	۰/۰۰۰	۰/۷۷۱
توانایی حل مسالمت‌آمیز تضادها	۲۳۶/۵۷۲	-۰/۰۶۳	۰/۰۰۰	۰/۷۷۴
کنترل اجتماعی	۱۹۹/۹۵۴	۰/۰۶۳	۰/۰۰۰	۰/۷۷۷

نتیجه

در این نوشتار بر مبنای آثار تجربی و نظری (دستگاه نظری بوم‌شناسی و مدل‌های فوشی، راکویل و جردن) مرتبط با خشونت، متغیرهای تحقیق در سطوح فردی، تعاملی، بسترهای اجتماعی و جامعه‌ای و در قالب ۵ فرضیه اصلی و ۱۸ فرضیه فرعی مطرح و مورد آزمون قرار گرفت. فرضیات تحقیق در مرحله اول بررسی مورد تأیید قرار گرفتند، هرچند برخی متغیرها رابطه ضعیفی با خشونت‌ورزی دانش‌آموزان نشان دادند. فرضیات مذکور در مرحله دوم تبیین؛ یعنی بررسی رابطه متغیرهای مستقل با ابعاد خشونت به وسیله تحلیل رگرسیونی چند متغیره بررسی شدند. نتایج نشان دادند که در سطوح چهارگانه فردی (قربانی خشونت شدن، توانایی حل مسالمت‌آمیز تضادها، و پایبندی به دستورات اخلاقی)، تعاملی (نظارت والدین)، بسترهای اجتماعی (کنترل اجتماعی) و جامعه‌ای (خشونت‌ورزی در عرصه‌های عمومی) تنها ۶ فرضیه رابطه مستقل و معنادار قابل قبولی با خشونت‌ورزی دانش‌آموزان دارند. طبعاً برای مبنای این تحلیل‌ها این مسئله مطرح می‌شود که تا چه اندازه دستگاه مفهومی و نظری در تبیین خشونت‌ورزی دانش‌آموزان از قدرت تبیین برخوردار است؟ البته باید در نظر گرفت که سطح تحلیل در این تحقیق، خرد و واحد تحلیل آن فرد بوده و نظریه‌ها و فرضیات مطرح شده نیز در این سطح بوده‌اند.

یکی از فرضیه‌های تحقیق، مربوط به رابطه بین جنسیت و خشونت‌ورزی بود. در مدل‌های اکولوژیک بر تأثیر عوامل بیولوژیکی در اجتماعی شدن، کسب تجربیات متفاوت در زندگی، خشونت‌ورزی و در معرض خشونت قرار گرفتن تأکید شده است (Foshee & et al., 2011:31). نتایج حاصله نشان داد که بین جنسیت و خشونت‌ورزی در ابعاد خشونت فیزیکی ملایم و خشونت فیزیکی شدید، رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر؛ دختران کمتر از پسران مرتکب خشونت فیزیکی ملایم و شدید می‌شوند. اما در بعد خشونت

کلامی بین دو جنس رابطه معناداری مشاهده نشده است. به عبارت دیگر، دختران در خشونت‌ورزی کلامی با پسران وضعیت مشابهی دارند. ساترلند و کرسی اختلاف مورد بحث را ناشی از موقعیت اجتماعی دو جنس می‌دانند (کی‌نیا، ۱۳۷۰: ۱۵۶ و دانش، ۱۳۶۶:۱۰۰). در بیشتر مطالعات انجام شده (رئیس، ۱۳۸۲؛ Benda & Crowyn, 2002; Feigelman, 2004) هم این رابطه تأیید شده است. در توضیح این موضوع باید گفت که در چارچوب مدل اکولوژیک، سطوح چهارگانه فردی، تعاملی، بسترهای اجتماعی و عوامل جامعه‌ای حلقه‌های متداخلی متصور می‌شود که عوامل هر سطح به وسیله عوامل سطوح دیگر تقویت و یا مورد جرح و تعدیل قرار می‌گیرد. بر این اساس می‌توان گفت، علاوه بر عوامل بیولوژیک، هنجارها و باورداشت‌های سنتی نیز سبب تفاوت در اجتماعی شدن دو جنس شده است و این باورداشت‌ها غالباً به وسیله خانواده‌ها و مدارس نهادینه می‌شود. در جامعه پسران احساس آزادی عمل بیشتری در خشونت‌ورزی می‌کنند. دخترها سعی می‌کنند که در تعارضات حل نشده خود بیشتر به خشونت کلامی متوسل شوند تا خشونت‌های فیزیکی. از طرفی با توجه به دیدگاه اکولوژیک، ساختار فیزیولوژیک و بیولوژیک دختران می‌تواند توجیه‌گر این موضوع است. چرا که دختران در کنترل خشم خود موفق‌تر عمل می‌کنند و به اصطلاح درون‌گرا هستند.

توانایی حل مسالمت‌آمیز تضادها یکی دیگر از فرضیه‌های فرعی تحقیق در سطح فردی است. در قالب این متغیر، قابلیت‌ها و مهارت‌های شخصی برای برقراری ارتباط با دیگران و حل تضادهای بین شخصی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس مدل فوشی و همکاران، اگر فرزندان، مهارت‌ها و خصوصیتی که به عنوان قابلیت‌های شخصی تعریف می‌شود را در سطح بالا دارا هستند، احتمال کمتری دارد که مرتکب رفتارهای خشونت‌آمیز و پرخاشگرانه شوند (Foshee & et al., 2011:130-131). با تأیید رابطه این متغیر با

در آن‌ها درگیر هستند نقش مهمی در افزایش یا کاهش خشونت‌ورزی دارند. افراد انواع مختلفی از خشونت را در محیط‌های خانوادگی، همسالان، مدرسه، محله و جامعه تجربه و مشاهده می‌کنند که دامنه آن از اعمال انضباطی و تربیتی سخت و تنبیه بدنی تا بدرفتاری در نوسان است. افراد همچنین مواردی از قبیل جنگ و خشونت سیاسی، خشونت رسانه‌ای و پلیسی را (در قالب قربانی یا شاهد) تجربه می‌کنند. مورد بدرفتاری واقع شدن در دراز مدت با افسردگی، خشونت نسبت به خود (خودکشی) و ناتوانی در برقراری روابط صمیمانه با دیگران همراه است. تجربه کردن و تماشاگر خشونت بودن بخشی از چرخه خشونت بین نسلی است. به عبارت دیگر، رفتارهای خشونت‌آمیز از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (Jordan, 2001:18-23). تأیید رابطه بین شاهد خشونت بودن و قربانی خشونت شدن با خشونت‌ورزی مؤید مطالعات تجربی اورت و پریک (1995)، بندا و کوروین (2002)، هووارد و همکاران (2002)، فیچلمن و همکاران (2000) و زارعی (۱۳۸۳) است.

فوشی، راکویل و جردن خانواده را واحد اصلی جامعه تلقی می‌نمایند. در خانواده‌هایی که نکوهش، طرد، دلبستگی پایین و شیوه‌های تربیتی خشن مسلط است، روند جامعه‌پذیری باخلل روبه رو می‌شود و فرزندان به راحتی نمی‌توانند خود را با انتظارات جامعه وفق دهند. از طرفی ناسازگاری والدین با همدیگر سبب می‌شود که آنان نتوانند بر رفتار و اعمال فرزندان خود نظارت کنند که این شرایط می‌تواند احتمال وقوع خشونت را افزایش دهد (Foshee & et al., 2011:129-130; Rockvill, 2001:4; Jordan, 2001:18-19). تأیید رابطه عوامل خانوادگی (نظیر تضاد والدین، نظارت والدین، دلبستگی فرزندان به والدین و بدرفتاری والدین) با ارتکاب به خشونت فرزندان در مرحله اول تبیین و تأیید رابطه نظارت والدین با ارتکاب به خشونت در تحلیل رگرسیون چند متغیره مشخص شد که عوامل خانوادگی (غیر از

خشونت در مرحله اول و دوم تبیین، مشخص شد که بین توانایی حل مسأله‌آمیز تضادها و خشونت‌ورزی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، با بالا رفتن توانایی دانش‌آموزان در حل مسأله‌آمیز تضادها میزان توسل به خشونت کلامی و فیزیکی کاهش می‌یابد. یافته حاضر مؤید دیدگاه نظری فوشی و جردن و مطالعات تجربی زارعی (۱۳۸۳) است اما با یافته‌های فیچلمن (2000) همخوانی ندارد.

یکی دیگر از فرضیه‌های فرعی تحقیق در سطح فردی، پایبندی به دستورات اخلاقی بود. فوشی، هنجارهای اخلاقی را به مثابه استانداردهایی برای رفتارهای قابل پذیرش در نظر می‌گیرد که تأثیر مهمی بر رفتارهم‌نویانه دارد (Foshee & et al., 2011:130). در این پژوهش، این متغیر در قالب مؤلفه‌هایی نظیر تمایل به تقلب در کارها، بیان حقایق، صداقت و امانتداری سنجیده شد. تأیید این رابطه مؤید مطالعات تجربی هرن کول و همکاران (2001)، زارعی (۱۳۸۳) و علمی و همکاران (۱۳۸۷) است.

بر اساس مدل اکولوژیک، خانواده و گروه‌های همسالان به مثابه سطح تعاملی در شکل‌دهی نگرش فرد به خشونت مؤثر است و ارزش‌های مرتبط با مشروعیت‌بخشی خشونت به عنوان تنها استراتژی حل تضادها و یا رسیدن به اهداف شخصی را به فرد انتقال می‌دهد. نوجوانان خشونت‌ورزی را از والدین و همسالان‌شان تقلید یا مدل‌سازی می‌کنند (Foshee & et al., 2011:129-130; Rockvill, 2001:4; Jordan, 2001:18-19). از دیگر فرضیه‌های فرعی تحقیق در سطح تعاملی، رابطه با همسالان بزه‌کار بود. نتایج حاصله مؤید مطالعات اورت و پریک (1995)، بندا و کوروین (2002)، فوشی و همکاران (2001)، هرن کول و همکاران (2001)، لویید و همکاران (2002)، فیچلمن و همکاران (2000)، هابس (2008)، رئیس‌ی (۱۳۸۲)، زارعی (۱۳۸۳)، علمی و همکاران (۱۳۸۷)، دیوبند و همکاران (۱۳۸۸) و برهانی (۱۳۸۸) است.

بر اساس مدل اکولوژیک، وضعیت‌های متفاوتی که افراد

سطح فردی (نظیر قربانی خشونت شدن، توانایی حل مسالمت‌آمیز تضادها و پایبندی به دستورات اخلاقی)، ارتباطی (نظارت والدین) و اجتماعی (تنبیه و بی‌عدالتی در مدرسه) و جامعه‌ای (شاهد خشونت‌ورزی در عرصه‌های عمومی و میزان جرم در محله) بیشترین تغییرات خشونت‌ورزی را در بین دانش‌آموزان تبیین نموده است. تحقیقات نشان داده‌اند که بسیاری از الگوهای رفتارهای مخاطره‌آمیز از درون به هم وابسته هستند اگرچه الزاماً پیش فرض هم‌دیگر نیستند (Jordan, 2001:21-22). البته باید این نکته را به خاطر داشت که در دیدگاه اکولوژیک تغییرات در سطوح پایین متأثر از تغییرات سطوح بالاتر است.

بر مبنای نتایج تحقیق، به منظور مدیریت مسالمت‌آمیز زمینه‌ها و عوامل خشونت‌ورزی دانش‌آموزان، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

الف) پیشگیری و کاهش خشونت در سطح کلان (جامعه)

- ۱- اصلاح نگرش‌ها و تغییر هنجارهای ناکارآمد
 - ۲- خشونت‌زدایی از عرصه‌های عمومی و مدیریت مسالمت‌آمیز، منطقی و عالمانه تضادهای اجتماعی
 - ۳- کاهش نابرابری‌های اجتماعی و بسط عدالت اجتماعی
- ب) پیشگیری و کاهش خشونت در سطح اجتماع (با تأکید بر مدرسه و محله)

- ۱- برخورد یکسان و مساوات طلبانه معلمان و عوامل اجرایی مدارس با دانش‌آموزان
 - ۲- افزایش بکارگیری روش‌های ادغامی در محیط مدرسه و تنبیه‌زدایی در محیط مدرسه
 - ۳- بازسازی مناسبات و شبکه‌های اجتماعی محله‌ای با هدف تقویت نظارت اجتماعی غیر رسمی
- پ) پیشگیری و کاهش خشونت در سطح تعاملی (با تأکید بر خانواده و همسالان)

- ۱- برقراری روابط عاطفی و تعامل مناسب و سازنده در خانواده به منظور پیشگیری از نفوذ همسالان بزهکار

سخت‌گیری والدین) هم به طور مستقیم و هم به طور غیر مستقیم در ارتکاب به خشونت دانش‌آموزان اثر می‌گذارد. در اکثر مطالعات انجام شده این رابطه مورد تأیید قرار گرفته است (Everett & Price, 1995; Benda & Crowyn, 2002; Foshee & et al., 2001; Howard & et al., 2002; Lavoid & et al., 2002; Feigelman & et al., 2000; Carswell, 2005; زارعی، ۱۳۸۳؛ علمی و همکاران، ۱۳۸۷ و دیوبند، ۱۳۹۱) است.

در سطح بسترهای اجتماعی، ضعف کنترل اجتماعی به انزوای اجتماعی و کاهش هرچه بیشتر الزام آور بودن مدل‌های نقش‌ها منجر می‌شود که تأثیرات زیادی بر افزایش جرم در محله دارد. همچنین هرچه میزان جرم و فقر در یک محله بیشتر است، افراد سلب اعتماد می‌شوند و گرایش به خشونت بیشتر می‌شود (Jordan, 2001:20). یافته‌های این مطالعه نشان داد که بین بسترهای اجتماعی نظیر همبستگی اجتماعی محله، اعتماد اجتماعی، کنترل اجتماعی غیر رسمی و فراوانی خشونت‌ورزی در عرصه‌های عمومی با ارتکاب به خشونت دانش‌آموزان رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش همبستگی اجتماعی محله، اعتماد اجتماعی و کنترل اجتماعی غیر رسمی، میزان خشونت کاهش می‌یابد. بر طبق نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، پایین بودن کنترل اجتماعی غیر رسمی در محلات، کاهش همبستگی اجتماعی، عدم اعتماد اجتماعی و میزان بالا بودن جرم در محله، موجب افزایش جرم و خشونت می‌شود.

با تأیید رابطه بسترهای اجتماعی با ارتکاب به خشونت در مرحله اول تبیین و تأیید شدن رابطه کنترل اجتماعی با ارتکاب به خشونت در تحلیل رگرسیونی چند متغیره مشخص شد که عوامل اجتماعی هم به طور مستقیم و هم به طور غیر مستقیم در ارتکاب به خشونت دانش‌آموزان اثر می‌گذارد. تأیید رابطه کنترل اجتماعی با ارتکاب به خشونت همسو با مطالعات تجربی اورت و پریک (1995)، وارنر و فولر (2003) و برهانی (۱۳۸۸) و ناهمسو با یافته‌های زارعی (۱۳۸۳) است. بر مبنای نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره، متغیرهای

ش ۳، ص ۲۱-۳۹.

دانش، ت. (۱۳۶۶). جرم چیست و مجرم کیست، انتشارات تهران: کیهان.

دیویند، ف. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین میزان دینداری والدین با خشونت میان فردی فرزندان پسر دبیرستانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تبریز.

رسول‌زاده‌اقدام، ص. (۱۳۸۱). عوامل مؤثر بر خشونت علیه کودکان در خانواده‌های تهرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

رئیس، ج. (۱۳۸۲). «جوانان و ناهنجاری‌های رفتاری»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۲۱، ص ۱۳۵-۱۳۸.

زارعی، ا. (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر خشونت دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری، تهران: علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی.

سخاوت، ج. (۱۳۸۱). «بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان»، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، ش ۲، ص ۵۵-۷۶.

شیری، ا. (۱۳۷۵). بررسی اثرات عوامل جامعه‌پذیری بر رفتار بزهکارانه جوانان ۱۴-۱۹ ساله در شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.

صدیق سروسستانی، ر. (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران: انتشارات سمت.

علمی، م. و تیغ‌زن، خ. (۱۳۸۷). «تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه شهر عجب شیر)»، مجله جامعه‌شناسی، سال اول، ش ۱، ص ۲۳-۴۲.

۲- کاهش تضادهای خانوادگی و به ویژه تضاد والدین با هم

۳- پرهیز از سخت‌گیری‌های افراطی و تلاش برای اعمال نظارت منطقی در حدی که فرزندان به فکر جبهه‌گیری نیافتند.

۴- نظارت بر تعاملات فرزندان با همسالان در سطح محله، مدرسه و سایر مکان‌ها

ت) پیشگیری و کاهش خشونت در سطح فردی

۱- تقویت روحیه خود باوری، توانایی بحث و گفتگو در دانش‌آموزان به منظور توانمند سازی در حل تضادها.

۲- نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی در دانش‌آموزان

۳- دوری جستن دانش‌آموزان از موقعیت‌های خطر آفرین و تنش‌زا

۴- افزایش آستانه تحمل و مدارا

منابع

برهانی، س. (۱۳۸۸). بوم‌شناسی بزهکاری کودکان و نوجوانان در استان تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران.

بلندهمتان، ک. (۱۳۸۸). توصیف و مقایسه میزان شیوع زورگویی و انواع آن در مدارس راهنمایی استان کردستان، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان کردستان

پورافکاری، ن. (۱۳۷۳). فرهنگ جامع روان‌شناسی و روان‌پزشکی معاصر، ج ۲، تهران: انتشارات معاصر.

توسلی، غ. و فاضل، ر. (۱۳۸۲). «تأثیر پایگاه اقتصادی اجتماعی و رفتار والدین بر اثر بخشی خشونت تلویزیونی بر رفتار کودکان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ش ۳، ص ۱۱۵، ص ۱۱۵-۱۴۷.

حسینی، م.؛ طباطبایی، م. و آقامحمدیان، ح. (۱۳۸۲). «رابطه هیجان خواهی، برون‌گرایی و خشم در نوجوانان پسر بزهکار و عادی شهر تهران»؛ مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد،

- کیث، ف. (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی شهری*، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- کی‌نیا، م. (۱۳۷۰). *مبانی جرم‌شناسی: جامعه‌شناسی جنایی*، ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گلچین، م. و حیدری، ع. (۱۳۸۹). «خشونت بین فردی و سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه: مطالعه‌ای اجتماعی در دبیرستان‌های پسرانه نورآباد لرستان»، *مسائل اجتماعی ایران*، سال سوم، ش ۱، ص ۱۷۷-۲۱۲.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لطیف‌آبادی، ح. (۱۳۸۱). «انواع ناهنجاری‌های روانی و پرخاشگری در بین جوانان ۱۴ تا ۱۹ ساله»، *مجله مطالعات جوانان*، ش ۱ و ۲، ص ۱۲-۳۲.
- غلامعلی‌لواسانی، م.؛ یوسلیانی، غ. و کرمی، م. (۱۳۸۷). «فراوانی و علل رفتارهای خشونت‌آمیز در مدارس دوره راهنمایی لرستان»، *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، سال ۳۸، ش ۲، ص ۷۷-۱۰۰.
- محسنی تبریزی، ع. و رحمتی، م. (۱۳۸۱). «سیری در مفاهیم و نظریه‌های خشونت، پرخاش و پرخاشگری و ارائه مدل علی توصیفی خشونت در ورزش»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۹، ص ۱۲۵-۱۵۳.
- مظفری، ا. (۱۳۸۴). *عوامل اقتصادی، اجتماعی در بروز رفتارهای وندالیستی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- نواح، ر. و کوپایی، م. (۱۳۹۱). «عوامل اجتماعی و شخصیتی مؤثر بر گرایش به وندالیسم (خرابکاری) در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اهواز»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال چهارم، ش ۲، ص ۱۳۲-۱۴۳.
- نیک‌اختر، ع. (۱۳۷۸). *بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر خراب‌کاری به عنوان نوعی رفتار بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شیراز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- ویلسن روس، ه. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی هم‌نواپی و کج‌رویی*، ترجمه: شهین‌دخت خوارزمی، تهران: نشر خوارزمی.
- Benda, B. & Crowyn, R. (2002) Teh Effect of Abuse in Childhood and in Adolescsnce on Violence Among adolescents ,*Jornal of Youth and Society*, 33(3):339-365.
- Carswell, S. (2005) *Pathwaystode linquency : The role of parental attachment, family socioeconomic status, and deviant peerrelation ship in risk behaviors and delinquency amongurbah African – American middle school students*, dissertation PhD, the American University.
- Everett, S.A. & Price, J.H. (1995) Students Perceptions of Violence in the Public Shoools: The Met Life Survey ,*Journal of Adolescent Health*, 17(6): 345-352.
- Feigelman, S. Howard, D.E. Xiaoming, & Cross, S. (2000) Psychology and Environmental Correlates of Violence Perpetration among African-American Urban Youth ,*Journal of Adolescent Health*, 27:202-209.
- Fellegi, B. (2004) *Do Community Structure and Organization Influence crime rate?* Essay for the Criminological Theories Course, Cambridge University. Available at: www.fellegi.hu/publications.html
- Foshee, V. Linder, F. and MacDougall, E. (2001) Gender Differences In the Longitudinal Predictors of Adolescent Dating Violence , *Preventive Medicine*, 32: 128-141.
- Herrenkohl, I. Huang, B. Kosterman, R. Hawkins, D. Catalano, F. and Smith, H. (2001) A Comparison of Social Development Processes Leading to Violence Behavior in late Adolescence of Childhood Initiators of Violence , *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 38(19): 45-63.
- Hobbs, M.E. (2008) *Peer influence on deviant behavior"*, department of psychology, Miami University.
- Howard, D. Feigelman, S. L. Xiaoming, & Cross, S. (2002) The Relationship Among Violence Victimization, Witnessing Violence, and Yoyth Distress ,*Journal of Adolescent Health*, 31:455-462.
- Jordan, S. (2001) *Violence and Adolescence in Urban Settings: A public Health Approach Based on the MLIVEA Framework*, Publication

- Model of Community Violence *Journal of Criminal Justice*, 31: 511-521
- World report of violence and health. (2000) World health organization.
- World report of violence and health. (2002) World health organization
- Wright, D. & Fitz Patrick, M. (2006) Social Capital and Adolescent Violent Behavior. Carrelates of Fighting and Weapon Use among Secondary Shool Students *Social Forses*, 84(3):1435-1453.
- Series of the Research Unit public Health Policy; Berlin
- Lavoid, F. Hebert, M. and Tremblay, R. (2002) History of Family Dysfunction of Dating Violence by Adolescent Boys: A Longitudinal Study *Journal of Adolescent Health*, 30:375-383.
- Rockville, MD. (2001) *Risks and Protective Factors for Youth Violence*, www. Safeyouth.org
- Warner, B. D. and Fowler, S. K. (2003) Strain and Violence: Testing a General Strain Theory

